

ناظم حکمت در قلب پیرایه

نامه‌ها و عاشقانه‌های بانوی گیسو حنائی

تألیف آریسوی

ترجمه ی یاسمن پوری



نشر سنگ

www.ketab.ir



نشان استاندارد بین‌المللی محیط زیست کاغذ بالک FSC

برای تولید این کاغذ، فرایند شیمیایی انجام نمی‌گیرد، دوباره به چرخه‌ی طبیعت بازمی‌گردد و محیط زیست را آلوده نمی‌کند.

سرشناسه: آریسوی، نازان، ۱۹۷۶-م. Arisoy, Nazan

عنوان و نام پدیدآور: ناظم حکمت در قلب پیرایه: نامه‌ها و عاشقانه‌های بانوی گیسو خنایی / نازان آریسوی؛ مترجم یاسمن پوری.
مشخصات نشر: تهران: نشر سنگ، ۱۳۹۷. / مشخصات ظاهری: ۱۵۰ص؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.

شابک: 978-622-99936-7-5 / وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Piraye'de Nazim Olmak. عنوان دیگر: نامه‌ها و عاشقانه‌های بانوی گیسو خنایی.

موضوع: حکمت، ناظم، ۱۹۰۲ - ۱۹۶۳م. — نامه‌ها / موضوع: شاعران ترک — قرن ۲۰م. — نامه‌ها

شناسه افزوده: پوری، یاسمن، ۱۳۶۰-، مترجم / رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۴۸۱ج/PL۲۴۸

رده‌بندی دیویی: ۸۹۴/۳۶۳ / شماره کتابشناسی ملی: ۵۴۷۱۳۹۹



سایت نشر سنگ:
www.sangpublication.ir

نشر سنگ در فضای مجازی:
@sangpublication

پست الکترونیک نشر سنگ:
sangpublication@gmail.com

شماره‌ی تماس و فضای مجازی: ۰۹۳۸ ۱۹۴ ۲۸۷۰

ناظم حکمت در قلب پیرایه
نامه‌ها و عاشقانه‌های بانوی گیسو حنایی
نویسنده: نازان آریسوی
مترجم: یاسمن پوری
ناشر: سنگ

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۷
چاپ دوم: تابستان ۱۴۰۲
چاپ و صحافی: پردیس دانش
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۹۳۶-۷-۵

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر سنگ است.

مقدمه‌ی مترجم

ناظم حکمت، شاعر بزرگ ترک، ناب‌ترین اشعار عاشقانه‌اش را برای زنی سرود که او را بانوی گیسو حنایی قلبش می‌نامید. پیرایه، با نام کامل «خدیجه پیرایه»، در دسامبر سال ۱۹۰۶ چشم به جهان گشود و در شانزده سالگی با «وفا» عرفی ازدواج کرد. همسر اولش نویسنده، روزنامه‌نگار و بازیگر تئاتر بود. فرزند اول‌شان «سوزان» به سال ۱۹۲۳ متولد شد. پس از این تاریخ و داد وارد عرصه‌ی موسیقی شد و در مقام پیانیست همراه با یک گروه سه نفره برای اجرای موسیقی به پاریس رفت. در این میان پیرایه آبستن فرزند دوم‌شان بود. و داد علاوه بر کسرت‌های موسیقی در زمینه‌ی تئاتر و سینما نیز فعالیت می‌کرد و با کوله‌باری از تجارب مفید به امید موفقیت در فضای هنری تازه‌ی مصر، راهی آن کشور شد. پیرایه فرزند دومش «ممت فواد»^۱ را در غیاب پدرش به دنیا آورد و چهار سال منتظر بازگشت شوهرش ماند. بالاخره پس از قطع امید از آمدنش راه خانه‌ی مادرش در استانبول را در پیش گرفت.

در همین سال‌ها ناظم پس از ازدواج با نزهت^۲ که عشق دوران کودکی‌اش بود، به مسکو رفت و پس از بروز برخی مشکلات در زندگی زناشویی و به اصرار خانواده‌ی نزهت از همسرش جدا شد. ناظم پس از ازدواج دوم نافرجامش با «لنا یورچنکو»، بانویی اهل تئاتر،

۱. Memet Fuat این فرزند پیرایه، با این که از پدر دیگری بود، علاقه‌ی زیادی به ناظم حکمت داشت و بعدها راه او را در

پیش گرفت و کتابی نیز به نام «ناظم حکمت» تدوین کرد.

۲. Nüzhet همسر اول ناظم حکمت.

سرانجام به استانبول بازگشت. پیرایه به مدد دوستی با سامیه، خواهر ناظم، با وی دیدار کرد. ناظم در اولین دیدار به این زن گیسو خنایی سپیدروی جوان دل باخت، اما پیرایه زنی بود با دو فرزند که همسرش او را ترک کرده بود و از این رو تا ماه‌ها برای قبول عشق ناظم تردید داشت. این دو دل‌داده در سال ۱۹۳۲ بالاخره تصمیم به ازدواج گرفتند و زندگی مشترک‌شان را آغاز کردند. در همین اثنی ناظم به سبب نگارش مجموعه اشعاری با نام «تلگرافی که در شب رسید» به پنج سال حبس محکوم شد که بعدها این حکم به یک سال کاهش یافت. سیل نامه‌ها و اشعار عاشقانه‌ی ناظم به پیرایه از زندان روانه شد. ناظم در آگوست ۱۹۳۴ آزاد شد و در ژانویه ۱۹۳۵ با پیرایه عهد زناشویی بست. تا مدتی همه چیز بر وفق مراد بود تا آن‌که ناظم در هفدهم ژانویه ۱۹۳۸ دستگیر و به دلیل واهی تبلیغ مرام کمونیستی و همکاری با عده‌ای نظامی که قصد سرنگونی رژیم را داشتند، در دادگاه نظامی محاکمه شد. دلیلی که بر شرکت ناظم در این توطئه ابراهه شده بود، وجود کتاب‌های شعر ناظم در خانه‌ی اکثر این افسرها بود. این بار به او پانزده سال حبس دادند. پیرایه و ناظم به مدت نوزده سال برای هم نامه نوشتند. پیرایه تمام نامه‌های ناظم را در چمدانی چوبی گرد آورد. این چمدان و نامه‌های پرازشی که در دل داشت، پس از مرگ پیرایه رو شد.

منور دختردایی ناظم بود و در اوایل سال ۱۹۴۸ که تنگدستی و تنهایی، پیرایه را از ناظم دور کرده بود، به ملاقات او در زندان بورصه رفت. منور سی و یک ساله، همسر یک نقاش بود و دختری از او داشت. با وجود رابطه‌ی فامیلی و تأهل منور، دیدار این دو رنگ عشق به خود گرفت و ناظم به امید آزادی در سایه‌ی عفو عمومی، خواست تا پیرایه را ترک گوید و با منور، زندگی جدیدی را از سر گیرد. نامه‌ای برای پیرایه نوشت و منور را نیز به جدایی از همسرش قانع کرد.

اما قرار عفو صادر نشد و منور از آغاز رابطه‌ای بی‌سرانجام با ناظم هراسید و به همسرش بازگشت. ناظم هم منور را و هم پیرایه‌ای را که سال‌های سال چشم‌انتظارش نشسته بود، از دست داد. پس نامه‌ای از سر پشیمانی برای پیرایه نوشت و خیانتی را که در حق او روا داشته بود، به تندی مورد انتقاد قرار داد و از او طلب عفو کرد. پیرایه جوابی به این نامه‌ی پر از تمنا

نداد. نامه‌های ناظم آن‌قدر ادامه یافتند که پیرایه روزی بالاخره مجاب شد و به همراه بچه‌هایش به دیدار ناظم در زندان رفت. ناظم دست به اعتصاب غذا زده و خواهان آزادی هر چه زودتر خود بود. در همین دیدار، منور به همراه سامیه وارد اتاق بیمارستان شدند. پیرایه با دیدن منور ناظم را ترک کرد و این آخرین دیدارشان بود.

ناظم سرانجام پس از تحمل سیزده سال زندان در سال ۱۹۵۰ آزاد شد و این بار منور در کنارش بود. منور به سال ۱۹۵۱ پسری به دنیا آورد که ناظم نامش را «ممد» گذاشت. پیرایه سال‌های سال با هیچ کس از ناظم نگفت و لب به شکوا نگشود. پسرش ممت فواد نامه‌های ناظم به مادرش را سه سال پس از مرگ پیرایه تنوین و در قالب کتابی منتشر کرد.

برای ترجمه‌ی اشعار ناظم حکمت که در برخی پانویس‌های این کتاب آمده‌اند، از دو مجموعه‌ی «کجاست دستان تو» و «تو را دوست دارم چون نان و نمک» با ترجمه‌ی آقای احمد پوری استفاده شده است.

— یاسمن پوری